فقه الحدیث روایت «اهل بطن نخله»

استدلال امام ع به امر عرفی در تعیین یوم و لیله در روایت اهل بطن نخله

عمر بن یزید می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: **«إنّ الْمُغِيرِيّةَ»؛** در برخی از جاها «مغیّره» دارد اما ظاهراً «مغیریّه» مناسب‌تر است.

«يَزْعُمُونَ أَنّ هَذَا الْيَوْمَ لَوذِهِ اللّيْلَةِ الْمُسْتَقْبَلَةِ»؛ اگر امروز اول ماه است، دیشب شب ماه قبل بوده است. اولین شب ماه مبارک امشب است. الآن در اصطلاح خودمان می‌گویی سه‌شنبه شب، یک شنبه شب، و گاهی هم می‌گویی شب یک شنبه. ما بین اینها فرق می‌گذاری. آنها می‌گفتند شبی که برای یک شنبه است همان یک شنبه شب است. آن چه که دنبال روز می‌آید برای آن است. چرا این را می‌گفتند؟ چون داریم «الیوم و اللیلة»؛ شبانه‌روز. «عمل الیوم و اللیلة» در بسیاری از کتابهای فریقین برای اعمال شبانه‌روز نوشته شده؛ روز و شب در شبانه‌روز چه زمانی است؟ مبدأ و منتهی دارد.

مرحوم مجلسی[1] می‌فرمایند: نزد متشرعه واضح است که شب قبل از آن است. یعنی شما که می‌گویی شب اول ماه، منظور شب سابق آن است. این روایت می‌گوید که محضر حضرت این را گفتم؛ **«يَزْعُمُونَ أَنّ هَذَا الْيَوْمَ لَوذِهِ اللّيْلَةِ الْمُسْتَقْبَلَةِ»؛** در شبانه‌روز، اول روز است و بعد شبش است.

«فَقَالَ كَذَبُوا»؛ این حرف دروغ است. در این «کذبوا» مشکلی نیست. در بناء فقه و شرع اسلامی هم مشکلی نیست. زیبایی این روایت در دنباله فرمایش امام علیه‌السلام در استدلالشان است. حضرت می‌خواهند برای «کذبوا» استدلالی بکنند. می‌خواهند به تعبد واگذار نکنند. استدلال بیرونی، استدلال به تاریخ و سیره و به مقبولیت نزد کل دارند. فرمودند: «هَذَا الْيَوْمُ لِلّيْلَةِ الْمَاضِيَةِ»؛ اگر امروز اول ماه است، دیشب شب اول ماه است. نه شبی که بعد بیایی و شب اول ماه باشد. خب چرا؟ «إِنّمَا أَهْلُ بَطْنِ نَخْلَةَ حَيْثُ رَأَوُا الْهِلَالَ قَالُوا قَدْ دَخَلَ اللّشّهْرُ الْحَرَامُ»؛ حضرت استشهاد به اهل بطن نخله می‌کنند، نه به مسلمانانی که در آن جا حضور داشتند. یعنی حضرت به یک کار عرفی استشهاد می‌کنند. آن هم برای دخول شهر، آن هم برای اینکه بگویند تنها در شرع اسلامی نیست که شب قبل از روز است. بلکه آنها هم همینطور می‌گفتند. آن وجهش هم بسیار روشن است. وقتی هلال را دیدند گفتند «دخل الشهر»؛ هلال ماه را دیدیم ولی هنوز ماه نیامده باشد؟! صبر کنیم و بگوییم شب برای ماه قبل است؟! خب وقتی هلالش را دیدی باز می‌گویی باید تا

فردا صبر کنید و این برای ماه جمادی است.

طبری هم در تاریخ و هم در تفسیرش دارد. مجمع البیان و همه تفاسیر دارند. در روایت هم هست. من هم هر چه ممکن بود در فدکیه گذاشتم. در جریان اهل بطن نخله آیه ناظر شد؛ «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرامِ قِتالٍ فِيهِ قُلْ قِتالٌ فِيهِ كَبِيرٌ[2]». آن چه که میخواهم روی آن تأکید کنم این است: «عن الشهر الحرام قتال فیه». ما یک بحثی داشتیم که مکرر مطرح شد. گفتیم وقتی میگوییم «شهر»، خودش یک موضوع است. بعضی از چیزها هست که برای زور شهر است. یعنی «یوم الشهر» موضوع حکم است. بعضی از چیزها هست که موضوع حکم آنها «اللیلة من الشهر» است. بعضی از چیزها هست که موضوعش خود «الشهر» است. در این آیه شریفه کدام یک از اینها مراد است؟ «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرامِ قِتالٍ فِيهِ»، این قتال برای شهر است؟ اصالًا با لدقه کاری به لیل و یوم ندارم، با شهر کار دارم؟ ای نه، در آن جا هم شب و روز مطرح است؟ این سؤالی است که روی آن تأمل کنید.

شاگرد: با توجه به روایات دیگر گویا آنها بعد از زوال دیدهاند؟

استاد: ظاهرش این است که آنها وقت غروب دیدهاند.

شاگرد: اگر قبل از زوال باشد همان روز هم اشکال نمی شود.

استاد: در اینجا سه قول است. همه را آوردهام. ابن اسحاق، واقدی و سدی نظرات مختلفی دارند. هر سه اینها را تفسیر قرطبی خیلی خوب توضیح داده است. عبارت قرطبی را ببینید. طبری هم دارد. قرطبی قشنگ دستهبندی کرده.

---

[1] بحار الأنوار - ط مؤسسةالوفاء، ج۵۹،ص۱۶

[2] البقره ۲۱۷

بازبینی #1
ایجاد شده 14 مه 2026 14:57:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2026 14:59:25 توسط ... .